

Studying Yemen's Houthi movement on the basis of Jaberi approach

Morteza Shirody*

Received: 2018/05/25

Mojtaba Soltani**

Accepted: 2019/12/08


Mohammadtaghi Aghaie***

Religious restoration has been the most important change in the latest decades of the twentieth century which came on the scene in the world of Islam in form of Islamic Movements. Houthi movement is one of these important movements about which little is known. Almost all analyses about Houthi movement which is originated from Zaydiyeh are journalistic in nature. However, the current study has scientifically analyzed the movement through Jaberi approach. Whether it is possible to analyze formation and function of the movement through this approach is the main question of the present research. It seems that the approach has provided a new basis for understanding arabic political reasoning which helps understanding the Islamic movement. Jaberi's analytical model includes components of faith (belief), tribe and booty which are employed in the current study. Innovatory nature of this model in analyzing a movement is among its merits.

Keywords: Belief, Booty, Jaberi, Houthi Movement, Tribe, Zaydieh.

* Associate Professor in Research Center for Islamic Civilization and Religion Research of The Great Prophet, Qom, I.R.Iran (Corresponding author).

morteza.shiroodi@tamadonpajoohi.ir

 0000-0002-1611-6652


** Master's Degree in Political Science, Yazd University, Yazd, I.R.Iran.

soltani.mojtaba@stu.yazd.ac.ir

 0000-0002-0885-4532

*** PhD student of Political Studies of Islamic Revolution, Shahed University, Tehran, I.R.Iran.

aghaie.mt@shahed.ac.ir

 0000-0001-9477-3917

تحلیل عملکرد جنبش حوثی‌های یمن بر اساس رویکرد عابد الجابری

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۱۷

مقاله برای بازنگری به مدت ۱۲۱ روز نزد نویسندگان بوده است.

مرتضی شیرودی*

مجتبی سلطانی**

محمدتقی آقایی مزرعه‌شاهی***

چکیده

احیاء دینی، مهم‌ترین تحول دهه‌های پایانی قرن بیستم به شمار می‌رود که در جهان اسلام در قالب جنبش‌های اسلامی، پدید آمدند. از جدیدترین این جنبش‌ها، جنبش حوثی‌های یمن است که هنوز کاملاً شناخته نشده است؛ زیرا بیشتر تحلیل‌های پیرامون این جنبش که از دل زیدیه برخاسته، ژورنالیستی و فاقد چهارچوب علمی مناسب می‌باشد. بنابراین مقاله حاضر، رویکرد جابری را برای تحلیل علمی این جنبش اسلامی به کار برده است. پرسش اصلی این است: تحلیل عملکرد جنبش حوثی‌های یمن در چهارچوب نظریه جابری چیست؟ بدین منظور از مدل تحلیلی جابری که بر مؤلفه‌های عقیده، قبیله و غنیمت استوار است و از روش کیفی تحلیلی توصیفی بهره برده‌ایم. بدیع بودن نظریه جابری و نبودن کاربردی آن در تحلیل و نیز برجسته کردن عناصر کلیدی نظریه جابری در جنبش حوثی‌ها، از نوآوری‌های این مقاله است. مهم‌ترین دستاورد پژوهش حاضر، بررسی علمی و روشمند جنبش حوثی‌های یمن و ارائه الگویی جهت شناخت ماهیت و عملکرد جنبش‌های اسلامی و بازخوانی مسائل جاری جهان اسلام است.

واژگان کلیدی: جنبش حوثی‌ها، زیدیه، عقیده، غنیمت، قبیله، محمد عابد الجابری، یمن.

* دانشیار مرکز پژوهشی تمدن اسلامی و دین‌پژوهی پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، قم، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).

dshirody@yahoo.com

0000-0002-1611-6652

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه یزد، جمهوری اسلامی ایران.

m.sk.123@yahoo.com

0000-0002-0885-4532

*** دانشجوی دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، دانشگاه شاهد، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

sharhani1169@gmail.com

0000-0001-9477-3917

مقدمه

بیان مسئله: جنبش حوثی‌های یمن از نوظهورترین جنبش‌های سیاسی و اجتماعی در خاورمیانه است که شناخت آن مستلزم بررسی مسائل و عرصه‌های مختلفی است که به پیدایش، تکوین و نقش‌آفرینی حوثی‌ها مربوط است. از میان اندیشمندان معاصر رویکرد محمد عابد الجابری در شناخت عقل سیاسی عربی، طرحی کارآمد است که می‌توان با کمک آن تحولات جنبش‌های اسلامی را تحلیل نمود.

اهمیت: آنچه در بررسی جنبش حوثی‌های یمن اهمیت دو چندان دارد تأثیرپذیری این جنبش از انقلاب اسلامی ایران، به لحاظ ایدئولوژیک و سیاسی، است؛ به گونه‌ای که علاوه بر پیوند فکری و سیاسی با جمهوری اسلامی ایران، در عرصه عمل نیز رهبران آن رفتارهایی را از خود بروز می‌دهند که در چهارچوب اهداف و طرح‌های منطقه‌ای ایران قابل تحلیل است. بر این اساس تحقیق حاضر دارای اهمیت راهبردی برای ما است.

ضرورت: جنبش حوثی‌های یمن در دو دهه گذشته در کانون تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی قرار داشته است. خیزش مردمی یمن در سال ۲۰۱۱م که در واقع واکنشی در مقابل عقب‌ماندگی داخلی و تضعیف استقلال ملی و نقش منطقه‌ای این کشور بود و تجاوز نظامی عربستان سعودی به این کشور، بیانگر سیر سریع و اهمیت بالای تحولات یمن در معادلات پیچیده منطقه و جهان است (سرخیل و خزعلی، ۱۳۹۶، ص. ۱۱۹). با توجه به تعدد بازیگران سیاسی و تعارض منافع کشورهای مختلف در این تحولات، غفلت از درک صحیح شرایط یمن منجر به پیروزی بازیگران رقیب خواهد شد. لذا بازخوانی جنبش حوثی‌ها از آن جهت ضروری است که منجر به شناخت مؤلفه‌های اصلی در کنش‌گری تحولات یمن شده و تحلیلی نسبتاً جامع جهت اخذ مواضع مناسب از سوی مسئولان سیاست خارجی ایران را فراهم می‌آورد.

اهداف: هدف اصلی این پژوهش تقویت فرایند تصمیم‌سازی در عرصه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از طریق ارائه تحلیلی نوین از تحولات یمن است. در همین راستا، کمک به درک بهتر عناصر دخیل در تحولات یمن، و همچنین ترویج الگوهای بومی در تحلیل تحولات منطقه‌ای، دو هدف فرعی این نوشتار است.

سؤال‌ها و فرضیه: پژوهش حاضر فرضیه‌آزمای نیست. سؤال اصلی محققان عبارت است

از: تحلیل عملکرد حوثی‌های یمن در چهارچوب نظریه عابد الجابری، چیست؟. سؤال‌های فرعی نیز عبارتند از: نقش قبیله در شکل‌گیری حوثی‌های یمن چیست؟، نقش غنیمت (عامل اقتصاد) در گسترش جنبش حوثی‌ها چگونه است؟ و عقیده در کنش سیاسی حوثی‌ها چه نقشی ایفا می‌کند؟

روش پژوهش: پژوهش از حیث هدف، توسعه‌ای و کاربردی و از حیث رویکرد، توصیفی - تحلیلی است. برای گردآوری داده‌ها از روش اسنادی استفاده شده و جهت تحلیل از نظریه عابد الجابری بهره برده شده است.

۱. پیشینه پژوهش

در ارتباط با جنبش حوثی‌های یمن دیدگاه‌ها و متون متعددی منتشر شده که در دو سطح به بررسی آنها می‌پردازیم:

۱-۱. پیشینه پژوهش در نشریه دانش سیاسی

در نشریه دانش سیاسی سه عنوان مقاله در ارتباط با یمن منتشر شده که نویسندگان از منظر فکری (هوشنگی، ۱۳۹۸) و سیاست خارجی (ولایتی و محمدی، ۱۳۸۹ و وزیریان، ۱۳۹۸) آن هم به صورت غیر مستقیم به تحولات یمن در قالب «جهان اسلام» و «منطقه خلیج فارس»، اشاره داشته‌اند. با این توضیح مشخص می‌شود که این نشریه به تحولات اخیر یمن پرداخته و از این حیث مقاله حاضر دارای نوآوری است.

۲-۱. پیشینه پژوهش در سایر منابع علمی

آثار متعددی که در ارتباط با حوثی‌های یمن منتشر شده را با توجه به رویکرد تحلیلی مؤلفان، می‌توان در سه دسته کلی جای داد:

الف. تحلیل تحولات یمن از منظر انقلاب اسلامی ایران

این رویکرد به دنبال نشان دادن وجوه نظری و رفتاری تأثیرپذیری جنبش حوثی‌ها از انقلاب اسلامی ایران است و لذا به شناخت ابعاد شکل‌گیری، ماهیت و عملکرد جنبش حوثی‌ها کمتر پرداخته است. عباسی و گلچین (۱۳۹۴)، دارا و بابایی (۱۳۹۴) و گنج‌خانی (۱۳۹۶) از این منظر به موضوع پرداخته‌اند.

ب. توصیف و تبیین عمومی تحولات یمن

این متون اغلب رویکردی توصیفی داشته و گزارشی از روند شکل‌گیری و سیر تحولات جنبش حوثی‌ها ارائه داده‌اند. به عنوان مثال مجمع جهانی اهل بیت، کتاب جنبش انصارالله یمن را در سال ۱۳۹۴ منتشر کرده که گزارشی از چگونگی شکل‌گیری این جنبش می‌دهد و به معرفی رهبران این جنبش و تحولات یمن و جنگ‌های شش‌گانه می‌پردازد. غریب رضا (۱۳۹۴) و نجابت و کوشکی (۱۳۹۵) نیز از همین منظر به موضوع پرداخته‌اند. مهم‌ترین کاستی این آثار، محدود ماندن در عرصه توصیف و نداشتن تحلیل در خصوص متغیرهای موجود در عملکرد جنبش حوثی‌ها است.

پ. تحلیل تحولات یمن با رویکرد عابد الجابری

ملائکه و اکبریان هاوشکی (۱۳۹۸) و سلطانیان (۱۳۹۵) بدون تبیین کامل نظریه عابد الجابری، برخی از عناصر مورد اشاره وی را برای تحلیل جنبش حوثی‌ها به کار گرفته‌اند. نقیصه بارز این آثار آن است که رویکرد جامعی در تحلیل موضوع ندارند. بر این اساس مشخص می‌شود که وجه تمییز نوشتار حاضر آن است که مؤلفان با رویکردی جامع به موضوع نگریسته‌اند. در واقع در هیچ‌یک از پژوهش‌های انجام شده، عملکرد جنبش حوثی‌های یمن در چهارچوب نظریه عابد الجابری تحلیل و بررسی نشده است.

۲. مبانی مفهومی و نظری

عابد الجابری متفکری است که تلاش دارد نگاهی نو برای شناخت و تحلیل مسائل جهان اسلام ارائه کند. وجه تمایز او با سایر اندیشمندان این است که مسائل را از منظر فرهنگی بررسی کرده و همچنین، با توجه به واقعیات و مسائل جامعه، دیدگاه نظری خود را بیان می‌کند (شفیق، ۱۳۸۸، ص. ۱۵۸). بر این اساس لازم است تا نخست نظام مفهومی و ساخت نظری دیدگاه او تبیین گردد.

۲-۱. مبانی مفهومی

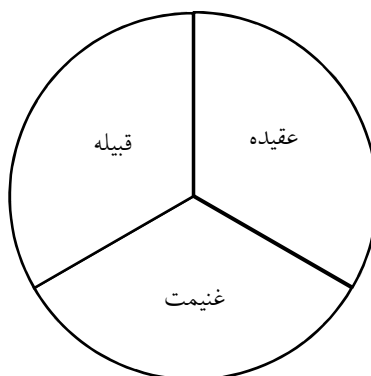
نظریه جابری بر بنیاد مفاهیم اصلی‌ای است که ریشه در اندیشه ابن خلدون دارد:
الف. قبیله: منظور جابری از این عامل، نقشی است که به جای تکیه بر شایسته‌سالاری،

تخصص و توانایی افراد بر نسبت خویشاوندی استوار است. در این معنا، خویشاوندی در معنایی گسترده‌تر از نزدیکان نسبی و سببی به‌کار می‌رود و مراد از آن، هر نوع احساس تعلق و اشتراکی میان انسان‌هاست که دارای وجه «عصبیتی» است؛ مانند: احساسات همشهری بودن، هم‌مذهب بودن، هم‌حزب بودن. این احساس تعلق و اشتراک آن هنگام برجسته می‌شود که معیار اصلی برای تمایز و تفکیک خودی و غیرخودی در عرصه سیاست و حکومت باشد (جابری، ۱۳۸۴، ص. ۷۱). تأثیر این عامل در سیاست می‌تواند به دو صورت مثبت یا منفی باشد. به عنوان مثال قبیله در زندگانی پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) از یک جهت موجب حفظ و صیانت ایشان از تهدیدهای قریش شد و از جهت دیگر به دلیل وجود روحیه قبیله‌گرایی در جامعه آن زمان، مانع از آن شد که دعوت حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به سایر قبایل و طوایف گسترش یابد. چرا که گسترش دعوت ایشان به معنای افزایش نفوذ بنی هاشم در میان سایر قبایل و طوایف عرب بود. هم‌چنین بعد از رحلت پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، نقش‌آفرینی فعال و کارآمد عامل قبیله در سقیفه، موجب انتخاب خلیفه اول گردید (جابری، ۱۳۸۴، صص. ۱۵۳-۱۵۱). از نگاه عابد الجابری عامل قبیله، دارای نقش مهم و تعیین‌کننده در سطح افراد، گروه‌ها و ساختارهای اجتماعی جهان عرب و اسلام و همچنین مانعی عمده جهت نیل به توسعه و پیشرفت آن بوده است.

ب. **غنیمت:** منظور از غنیمت، نقش سیاسی و اجتماعی عامل اقتصاد است که بر اساس رانت و نه روابط تولید استوار است. این نقش، کسب درآمد و شیوه مصرف و عقلانیت همراه آن را دربرمی‌گیرد. غنیمت نماد منفعت فردی یا منفعت گروهی به شمار می‌رود (جابری، ۱۳۸۴، ص. ۷۴). اقتصاد جوامع اسلامی از گذشته به خراج وابسته بوده است. خراج، هزینه‌ای است که شکست‌خوردگان جنگ به گروه پیروز، به صورت دائم یا موقت پرداخت می‌کنند. مفهوم دیگری که در اقتصاد جوامع اسلامی نقش داشته است مفهوم «عطا» است (نوری، ۱۳۸۹، ص. ۱۴۹). از نظر جابری، نقش‌آفرینی این عامل در تاریخ به ظهور اسلام بازمی‌گردد. مکه از زمان پیش از اسلام، شهری تجاری و مذهبی محسوب می‌شد و هر گونه تهدید بت‌ها، تهدید مستقیم اقتصاد و درآمدهای مالی

قریش به حساب می‌آمد. یکی دیگر از منابع مالی قریش، کاروان‌های تجاری آنان بود. ضربه‌های پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به آنها موجب کاهش درآمدهای مالی قریش شد و در نهایت قریش مجبور به صلح با مسلمانان گردید (جابری، ۱۳۸۴، ص. ۲۰۷).
پ. عقیده: عقیده همانند دین و ایدئولوژی کارویژه همبستگی سیاسی جامعه را بر عهده دارد. در واقع آنچه مورد تأکید جابری از این عامل است، همبستگی سیاسی و استفاده از آن به سود سیاست است (نوری، ۱۳۸۹، ص. ۱۵۰). در مرحله دعوت در جنبش‌های عربی، اعم از جنبش پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و سایر جنبش‌های عربی، نقش اصلی از آن عقیده است (شفق، ۱۳۸۸، ص. ۱۶۰).
با توجه به این توضیحات، حال می‌توان الگوی مفهومی پژوهش حاضر را به شرح زیر ترسیم و ارائه نمود:

نمودار شماره (۱): الگوی مفهومی تحلیل، مبتنی بر دیدگاه جابری



(منبع: طراحی شده توسط نویسندگان)

۲-۲. مبانی نظری

با عنایت به رویکرد نواندیشانه و بدیع عابد الجابری، می‌توان اصول اصلی دیدگاه او را به شرح زیر تلخیص و تبیین نمود:

الف. نقش زمینه‌ای فرهنگ و تمدن در تکوین پدیده‌های سیاسی و اجتماعی
جابری در پروژه نقد عقل عربی به نقد فرهنگ سیاسی مسلمانان پرداخته و همه همت

خود را در این راه صرف می‌نماید تا فرایند تشکیل فرهنگ و تمدن اسلامی را نشان داده و منشأ و چگونگی بروز آسیب‌های موجود در فرهنگ و تمدن اسلامی را بازشناساند (نوری، ۱۳۹۷، ص. ۳۰).

ب. جایگاه محوری عقل

جابری عصر تدوین اسلامی را از اواخر دولت اموی در نظر می‌گیرد؛ چرا که معتقد است در این دوره بنیادهای نهایی عقل عربی شکل گرفت (بخشایش اردستانی و مالکی، ۱۳۹۵، ص. ۱۰). «عصر تدوین» اصطلاحی است که جابری در مورد دوره‌ای از تاریخ اسلام که برای تدوین علوم و فصل‌بندی آن به کار رفت، مورد استفاده قرار داده است. در این دوره، تمامی رشته‌های تفکر و اندیشه اسلامی شکل گرفت (عبداللطیف، ۲۰۰۴، ص. ۶۹).

پ. ارتباط مؤثر «گذشته» و «حال»

جابری معتقد است اگر این آموزه کارل مارکس که «تحلیل حال، کلیدهای فهم گذشته را به دست ما می‌دهد» (کوهن، ۱۳۹۷، ص. ۲۱۳) صحیح باشد؛ دنیای عرب که هم‌اکنون شاهد بازگشت مجدد امور سرکوب شده‌ای مانند قبیله‌محوری، طایفه‌گرایی، فرقه‌گرایی و خوارج‌گرایی مذهبی است، ما را به برخی کلیدهای اصلی در فهم گذشته و بازگشایی تاریخ می‌رساند. کلیدهایی که ما را به سمت اندیشه‌های ابن خلدون رهنمون می‌سازد، چرا که او پیش از این؛ آنها را از زمان حال خویش، یعنی تجربه سیاسی سرشاری برداشت می‌کند که کلیدهای فهم گذشته را در اختیار او قرار می‌داد. وی با توجه به این نکته بود که بیان کرد: «گذشته به آینده شبیه‌تر است از آب به آب» (جابری، ۱۳۸۴، ص. ۶۸).

ت. ارکان سه‌گانه زیرساختار جامعه اسلامی

جابری همچون مارکس برای جامعه زیربنا و روبنا در نظر می‌گیرد، با این تفاوت که او اساس زیرساختار جامعه اسلامی - عربی را سه مشخصه قبیله، غنیمت و عقیده می‌داند. این زیرساختار نه تنها بر اندیشه و فعالیت‌های سیاسی جامعه اسلامی - عربی حکم فرماست، بلکه روبنای جامعه را نیز که میدان فعالیت سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی است، بنیان می‌نهد (جابری، ۱۳۹۱، ص. ۵۷).

ث. دوگانه‌های راهنمای تحولات در جامعه اسلامی

جابری رابطه فرد با جامعه را در مجرای همین ساختار تعریف می‌کند و معتقد است ویژگی‌های فرد در جامعه اسلامی - عربی از گذر این پنج دوگانه تعیین می‌شود: ارباب / رعیت، خواص / عوام، دستمزد / خراج (غنیمت)، عقیده / قبیله و بادیه‌نشینی / شهرنشینی. بنابراین، چهارچوب فرد در گرو گرایش به این دوگانه‌ها مشخص می‌شود که آیا او جزو رعیت است؟ از خواص یا از عوام است؟ دستمزد و هدیه می‌گیرد یا خراج می‌پردازد؟ آیا قبیله از او حمایت می‌کند یا عقیده؟ در بادیه زندگی می‌کند یا در شهر؟. با تأمل در این دوگانه‌ها مشخص می‌شود که فرد در فرهنگ عربی - اسلامی به مثابه یک کل با جامعه رابطه ندارد، زیرا جامعه از برساننده‌های این دوگانه‌ها والاتر نیست و همواره هر یک از این دوگانه‌ها، بر حسب شرایط و اوضاع و احوال، نقش جامعه را ایفا می‌کند و به جای آن بر فرد تأثیر می‌گذارد و یا از آن تأثیر می‌پذیرد (جابری، ۱۳۹۱، ص. ۵۸).

ج. شاخص‌های اصلی در تحلیل وضعیت جوامع عربی

نظام اقتصادی مبتنی بر رانت، رفتار اجتماعی مبتنی بر حمیت و عصبیت قبیله‌ای و افراط‌گرایی دینی، سه شاخص کلیدی هستند که بدون آنها فهم مسائل روز جهان عرب امکان‌پذیر نخواهد بود. پیش از این نیز ابن خلدون این سه شاخص را برای بازخوانی تجربه تمدن عربی - اسلامی تا زمان خود، به کار برده بود (جابری، ۱۳۸۴، ص. ۶۹). از جمله این معماها، تحولات یمن می‌باشد که با به‌کارگیری مناسب مؤلفه‌های سه‌گانه نظریه جابری می‌توان تصویر روشنی از این تحولات ترسیم نمود. نقش تعیین‌کنندگی جنبش حوثی‌ها در یمن و قدرت‌یابی این جنبش در معادلات منطقه به ویژه پس از حمله پهپادی به پالایشگاه نفتی آرامکو و جایگاه آن در محور مقاومت، ضرورت تحلیل عملکرد جنبش حوثی‌ها را دو چندان می‌نماید. نظریه جابری ابزاری راهگشا جهت شناخت عملکرد و کنش‌گری این جنبش و اتخاذ رویکرد مناسب ایران در تحولات یمن خواهد بود.

۳. نقش قبیله در یمن و شکل‌گیری جنبش حوثی‌ها

«قبیله» اولین رکن از الگوی تحلیل سه وجهی عابد الجابری است که باید در تحولات یمن به آن پرداخت:

۳-۱. جایگاه تاریخی «قبیله» در تاریخ تحول یمن

تشکیل دولت زیدیه در تاریخ یمن در قالب قبیله قابل بررسی است. این دولت توسط یحیی از نوادگان امام حسن (علیه‌السلام)، ملقب به الهادی إلی‌الحق در سال ۲۸۸ قمری تأسیس و تا سال ۱۳۸۲ قمری که حکومت جمهوری در یمن بر پا شد، ادامه داشت (خاکرند، ۱۳۹۳، ص. ۱۱۲). نطفه آغازین این حکومت با هم‌گرایی قبایل شکل می‌گیرد چنانکه یحیی بن حسین به دعوت قبایل شمال یمن به آن سرزمین رفت و حکومتی را در صعده، شمالی‌ترین استان یمن امروزی بنیان گذاشت که آل بکیل و بنی حاشد به عنوان دو اتحادیه قبیله‌ای اصلی در یمن، مهم‌ترین حامیان این حکومت بودند. از آن پس تا دوران معاصر، یمن، به ویژه بخش‌های شمالی آن، پایگاه سنتی زیدیه شد و امامان و شخصیت‌ها و جریان‌های فکری بسیاری در آن منطقه ظهور کردند (طباطبائی‌فر، ۱۳۹۵، ص. ۱۰). علاوه بر این، نقش مهم قبیله در فروپاشی حکومت زیدیه در یمن که موضوع بحث می‌باشد، نیز قابل تأمل است. در سال ۱۹۵۹م در حالی که امام احمد برای درمان بیماری به ایتالیا رفته و فرزندش بدر را جانشین خود ساخته بود، قبایل یمن شورش کرده و موجب بازگشت سریع امام احمد به کشور شدند. این ناآرامی‌ها باعث به‌کارگیری تدابیر شدیدی برای کنترل قبایل از جمله اعدام شیخ حسین الأحمر، رئیس قبیله حاشد شد. صدور این دستور منجر به از دست دادن حمایت قبایل بزرگ زیدیه فلات مرتفع، به عنوان بزرگ‌ترین حامیان امام احمد در سراسر کشور شد و سرانجام در سال ۱۹۶۲م حکومت هزار ساله زیدیه پایان یافت (اشرفی، ۱۳۹۲، ص. ۲۵۳).

۳-۲. ساختار قبیله‌ای یمن

قبیله‌گرایی و شیخ‌سالاری مهم‌ترین مشخصه جامعه یمن است و مظاهر و شاخصه‌های مدرنیسم در آن وجود ندارد. در این جامعه، شیخ قبیله تصمیمات اصلی را اتخاذ نموده و سایرین اطاعت می‌نمایند (جانباز و قزوینی، ۱۳۹۰، ص. ۳۰). قبیله‌گرایی در یمن تا حدی

است که برخی بهترین نام برای این کشور را «سرزمین قبیله‌ها» دانسته‌اند؛ چرا که در طول تاریخ یمن، قبایل در مناسبات ریز و درشت این کشور نقش‌آفرینی کرده‌اند. هر چند در حال حاضر تعداد دقیق قبایل یمن نامعلوم است، اما ۷۰ درصد مردم این کشور به قبایل خود وفاداری جدی دارند (نجابت و کوشکی، ۱۳۹۵، ص. ۲۲).

قبایل یمنی به دو بخش کلی تقسیم می‌شوند: حمیر و کهلان. قبایل عدن، لحج، و حضرموت از جمله قبایل حمیر و قبایل مذحج، همدان، حاشد و بکیل از جمله قبایل کهلان به شمار می‌آیند (نجابت و کوشکی، ۱۳۹۵، ص. ۲۲). البته همدان از قبایل بزرگ یمن به شمار می‌آید که از روزگار پادشاهان سبأ از حدود صد سال قبل از میلاد تاکنون و پس از ۲۱ قرن همچنان بر سیاست یمن چهره می‌نماید و قبایل حاشد و بکیل علی‌رغم وجود اختلافات گسترده، زیرمجموعه قبیله همدان محسوب می‌شوند. در طول تاریخ، قبایل یمنی درون اتحادیه‌های قبیله‌ای با یکدیگر متحد شده‌اند و اصلی‌ترین اتحادیه‌های قبایلی یمن در حال حاضر حاشد و بکیل هستند. علی‌الله صالح و عبدالله بن حسین الاحمر نیز (رئیس حزب التجمع الیمنی الاصلاح) از قبیله حاشد بودند (منتظرالقائم، ۱۳۹۶، ص. ۷۷). به لحاظ جغرافیایی، قبیله حاشد در شمال و قبیله بکیل در جنوب قرار دارند. نکته قابل توجه آنکه قبایل جنوبی با قبایل شمالی تفاوت دارند. قبایل جنوبی کوچکتر بوده و از انسجام کمتری برخوردار هستند. قبایل بزرگ شمال این کشور عبارتند از: خیمه، ارحب، جهم، نهم، مذحج و سنحان و قبایل جنوب عبارتند از: عوادل، یافع فضلی، ضالع، دفینه، ردفان، مکلا و حامی (میراحمدی و احمدوند، ۱۳۹۴، ص. ۱۴۷).

به لحاظ تسلیحاتی، قبایل سلاح‌های سبک و نیمه سنگین زیادی در اختیار دارند تا آنجا که میزان سلاح‌های سبک آنان تا پنج برابر دولت مرکزی برآورد می‌گردد. قبایل، ۱۲ زندان و بازداشتگاه اختصاصی برای خود داشتند که علی‌رغم اطلاع دولت از وجود آنها، به طور مستقل و تحت مدیریت قبایل اداره می‌شدند (نجابت و کوشکی، ۱۳۹۵، ص. ۴۵). بنابر نظر کارشناسان یمن که سال‌ها به صورت میدانی به بررسی مسائل آن پرداخته است، بیش از ۵۰ میلیون سلاح در جمعیت ۲۵ میلیونی کشور یمن وجود دارد. این آمار نشان‌دهنده آن است که هر یک از شهروندان یمن به صورت میانگین دارای دو سلاح گرم می‌باشد (میراحمدی و احمدوند، ۱۳۹۴، ص. ۱۴۷).

۳-۳. قبیله‌گرایی و سیاست

در یمن ساختار قدرت سیاسی از حمایت‌های قبیله‌ای شکل می‌گیرد. قبیله نیز در ازای حمایت از قدرت، تقاضاها و درخواست‌های خود را از نظام سیاسی کشور مطالبه می‌نماید. در این فرایند نظام سیاسی، توانایی سیاست‌گذاری در حوزه‌های فراقبیله‌ای و ملی را نداشته و برای اینکه حمایت قبایل پشتیبان خود را از دست ندهد، ناچار به پذیرش مطالبات و درخواست‌های قبایل حامی خود است. در واقع مصالح قبیله‌ای جایگزین مصالح ملی شده که باعث تشدید اختلاف‌ها و تعارض‌های قبیله‌ای در جامعه یمن می‌گردد (نورمحمدی، جوکار و فرجی، ۱۳۹۲، ص. ۷۸). قبیله‌گرایی در یمن از سه جهت به عنوان ابزاری برای وصول به اهداف استفاده شده است.

الف. قبیله‌گرایی و ایجاد اختلاف

علی عبدالله صالح با اختلاف‌افکنی میان قبایل، سعی در تقسیم آنها به دو گروه «حامی» و «مخالف» حکومت داشت. این اقدام موجب تشدید اختلاف‌ها و گسترش تعارض‌ها بین قبایل یمن شد. او از ابتدای ریاست جمهوری خود در سال ۱۹۷۸م به جای تحت کنترل درآوردن یمن شمالی بر اتحاد با طوایف و قبایل تکیه نمود و پس از اتحاد یمن شمالی و جنوبی نیز سیاست تشکیل گروه‌های حامی در میان قبیله‌ها را ادامه داد (نورمحمدی، جوکار و فرجی، ۱۳۹۲، ص. ۷۹).

ب. قبیله‌گرایی و مداخله‌گری

عربستان سعودی با قبیله‌های یمن ارتباطات دیرینه و عمیقی داشته که تأثیر بسیاری در ارتباط و تعامل دوسویه دولت یمن با قبایل داشته است. به عنوان مثال رابطه این کشور با قبیله‌های بکیل و حاشد چنان مستحکم و ریشه‌دار است که دولت یمن برای مذاکره و تعامل با آنها به ناچار از طریق میانجی‌گری ریاض اقدام نموده است. علاوه بر این، عربستان سعودی کمک‌های مالی زیادی را به صورت سالیانه برای نفوذ در میان قبایل یمن، به آنان ارائه می‌دهد (نجابت و کوشکی، ۱۳۹۵، ص. ۸۹).

پ. نفوذ قبیله‌ای و تقویت جنبش حوثی‌ها

نفوذ نیروهای حوثی در میان برخی قبایل یمن است که با توجه به اینکه حوثی‌ها متعلق به اتحادیه قبایلی حاشد هستند، در مجمع القبایل بزرگ و قدرتمند حاشد و همچنین قبیله

بکیل نفوذ دارند. بنابراین، یکی از دلایل گسترش فعالیت حوثی‌ها، پیوندهای محکمی است که با قبایل یمن دارد (نورمحمدی، جوکار و فرجی، ۱۳۹۲، ص. ۷۹).

۴. نقش غنیمت (عامل اقتصاد) در گسترش حوثی‌ها

در نظریه جابری زیرساخت اقتصادی نقش مهمی در تحلیل شرایط دارد که با عنوان تخصصی «غنیمت» از آن یاد شده است:

۴-۱. جایگاه غنیمت در تاریخ تحول یمن

اقتصاد از نظر عابد الجابری یا حول روابط تولید می‌چرخد و یا بر اساس رانت شکل می‌گیرد و او از اقتصاد نوع دوم که مشخصه اصلی جوامع عربی است، تعبیر به غنیمت می‌کند. بنابراین علی‌رغم تفاوت ماهوی این دو، با توجه به بستر مورد بحث که یک کشور عربی می‌باشد با کمی تسامح، مرزهای مفهومی غنیمت را تا رسیدن به عامل اقتصاد گسترانده و به بررسی نقش آن در دو سطح، در جنبش حوثی‌ها پرداخته‌ایم.

الف. ساختار رانتی اقتصاد

عامل غنیمت یا اقتصاد از ابتدای شکل‌گیری حکومت زیدیه در یمن تا ضعف و انحلال آن و درخواست احیای مجدد آن در عصر حاضر توسط حوثی‌ها، نقش مهمی را ایفا کرده است. چنانکه هادی الی‌الحق، مؤسس حکومت زیدی، پایه‌های اقتصادی حکومت خود را بر دریافت دو مالیات اسلامی از جامعه یمن بنیان نهاد: جمع‌آوری زکات اسلامی از محصولات کشاورزان یمنی؛ و دریافت جزیه از اهل کتاب ساکن در یمن (یزدانی و جان احمدی، ۱۳۹۱، ص. ۱۲۳). بنابراین نقش غنیمتی که جابری آن را اقتصاد بر اساس رانت و خراج می‌داند، در شکل‌گیری زیدیه به خوبی نمایان است. البته جابری خراج را تمامی آن چیزی می‌داند که در اسلام به عنوان مالیات از مسلمانان و غیرمسلمانان دریافت می‌شود و مواردی چون فیه، جزیه را نیز زیرمجموعه خراج محسوب می‌کند و در اینجا نیز جزیه، پایه اصلی دولت نوپای زیدیه بوده است.

ب. ضعف نظام معرفتی اقتصاد در «عقل عربی»

زلزله سال ۲۴۴ قمری که منجر به رانش زمین و تخریب مناطق مسکونی و زمین‌های کشاورزی بخش وسیعی از یمن شد، نظام اقتصادی یمن را تحت تأثیر قرار داد و پایه‌های

حکومت نوپای زیدیان را لرزاند. فقر و ازهم‌گسیختگی نظام اقتصادی موجب شد که زیدیان از یک‌سو با جنگ‌ها و چالش‌های متعدد اقتصادی مواجه شده و از سوی دیگر مردم نیز از پرداخت مالیات خودداری نمایند. البته توجه هادی به رفع نگرانی‌های معیشتی مردم، سبب جلب اعتماد عمومی و رؤسای قبایل شد و توانست این بحران اقتصادی را کنترل نماید (یزدانی و جان احمدی، ۱۳۹۱، صص. ۱۲۷-۱۲۶). شکل‌گیری جنگ‌های اقتصادی در شرایط بحرانی و گسترش فقر، گویای این گزاره جابری است که اقتصاد از حیث نقش عملی یا ذهنی آن به عنوان سودی زودگذر در عقل عربی وجود دارد؛ چنانکه هادی برای گذر از بحران به این عامل توجه می‌کند و از آن برای جلب حمایت قبایل و تثبیت حکومت خود استفاده می‌کند و اقتصاد را فی نفسه هدف نمی‌داند.

۴-۲. وضعیت اقتصادی یمن

از لحاظ اقتصادی، یمن یکی از فقیرترین کشورهای خاورمیانه و جهان به شمار می‌رود. حداقل ۱۱ درصد کودکان از سوء‌تغذیه رنج می‌برند و فساد و بیکاری گسترده‌ای در این کشور به چشم می‌خورد. جمعیت زیر خط فقر یمن بیش از ۴۳ درصد از جمعیت را تشکیل می‌دهد. از سوی دیگر اقتصاد یمن اتکاء زیادی بر دریافت کمک‌ها و وام‌های خارجی و بین‌المللی دارد. به عنوان نمونه دریافت کمک خارجی این کشور از آمریکا در سال‌های پایانی دهه ۱۳۸۰ شمسی، به طور میانگین به مبلغ ۲۰ تا ۲۵ میلیون دلار در هر سال می‌رسد (مسعودنیا و توسلی، ۱۳۹۱، ص. ۱۳۸).

بدهی‌های خارجی این کشور در سال ۱۹۹۱م بالغ بر ۷۰۰۰ میلیون دلار بوده است. علی عبدالله صالح رئیس‌جمهور سابق یمن از پذیرش این موضوع که این کشور دچار بحران اقتصادی است، سرباز می‌زد و در عوض، اقدام به اعمال ریاضت‌های اقتصادی نمود (کریملو، ۱۳۹۴، ص. ۷۳) و همین نادیده انگاشتن عامل اقتصاد از سوی صالح است که کنش قبایل را برانگیخت و دولت صالح را به چالش کشاند. غنیمت که از نظر جابری نماد منفعت فردی و یا گروهی است در اینجا با عنصر قبیله پیوند می‌خورد، چرا که بحران اقتصادی منافع قبایل را به مخاطره انداخته و منازعات قبیله‌ای را با یکدیگر از یک‌سو و با دولت مرکزی از سوی دیگر شدت می‌بخشد.

علی‌رغم اینکه یمن از تولیدکنندگان نفت است، اما یک کشور فقیر باقی مانده است.

صادرات نفت یمن در سال‌های اخیر نیز به شدت افت کرده است. اقتصاد یمن به شکلی است که بانک جهانی، یمن را از میان ۵۳ کشور خاورمیانه، جزو گروه کشورهایی با درآمد پایین طبقه‌بندی کرده است. این کشور در خصوص تأمین آب حدود ۱۰ درصد کمبود دارد. حتی پیش‌بینی می‌شود که در ده سال آینده آب موجود در بخش غربی این کشور، که حدود ۲۳ درصد مردم یمن در این ناحیه زندگی می‌کنند، پایان یابد. همچنین ذخایر معدود نفتی این کشور، که تقریباً حدود ۲۰ درصد بودجه ملی حکومت یمن را تشکیل می‌دهد، در چند سال آینده به اتمام خواهد رسید. طبق گزارش سال ۲۰۰۹م برنامه توسعه سازمان ملل، نرخ بیکاری در یمن ۲۸ درصد بوده است (کوشکی، ایرامی و میرحسینی، ۱۳۹۱، ص. ۱۷۰).

این وضعیت نشان‌دهنده کاهش قابلیت‌های اقتصادی یمن است. این فقدان منابع مالی، اقتصادی و توزیع نامناسب منابع، به منشأ تهدیدها و در نتیجه ناامنی در یمن تبدیل شده است. کمبود شدید منابع و گسترش فقر باعث شده که قبایل یمنی برای کسب منابع با یکدیگر و نیز با حکومت مرکزی به رقابت خشونت‌آمیز روی آورند. در واقع کمبود شدید منابع در یمن باعث تشدید و خشونت‌آمیز شدن رقابت‌ها شده که در فقدان دولت مشروع پاسخگو، زمینه گسترش منازعه و ناامنی را فراهم آورده است.

جدول شماره (۱): وضعیت اقتصادی یمن

شاخص اقتصادی	زمان (سال)	میزان
رتبه فساد مالی	۲۰۱۹م	۱۷۶
نسبت بدهی دولت به تولید ناخالص داخلی	۲۰۱۸م	۶۳ درصد
نرخ رشد تولید ناخالص داخلی سالانه	۲۰۱۸م	-۲ درصد
بیکاری	۲۰۰۹م	۲۸ درصد
خط فقر	۲۰۰۹م	بالای ۴۳ درصد
سوء تغذیه	۲۰۰۹م	بالای ۱۱ درصد

(منبع: گردآوری شده توسط نویسندگان مقاله)

۳-۴. نقش غنیمت (عامل اقتصاد) در تثبیت حوثی‌ها

جابری معتقد است قبیله در عقل سیاسی عرب چیزی جز یک چهارچوب اجتماعی که

کسب و دفاع از غنایم با استفاده از آن انجام می‌گرفته، نبوده است و بنابراین، غنیمت بر کنش قبیله حاکم است (جابری، ۱۳۸۴، ص. ۱۵۵). این امر در مورد قبایل یمن نیز مشهود است و تجلیات آن در حد بحث حاضر عبارتند از:

الف. مدیریت سیاسی بر پایه رانت اقتصادی

علی عبدالله صالح با استفاده از منابع نفتی و توزیع آن در میان گروه‌های طرفدار خود، سعی در ایجاد طرفداران پروپاقرصی برای خود داشت. این اقدام از یک سو موجب تشدید شکاف‌های قبیله‌ای در جامعه یمن و تقسیم قبایل به دو گروه «حامی» و «مخالف» دولت شد و از سوی دیگر منجر به تضعیف ساختارهای سنتی و ریشه‌دار اجتماعی، سیاسی و اقتصادی قبایل یمن گردید. تا پیش از کشف و استخراج نفت، شیخ قبیله با تکیه بر اصولی چون وراثت، شایستگی، مقبولیت بین قبیله، انتخاب می‌شد، اما پس از شکل‌گیری دولت رانتیر نفتی، این اصول از میان برداشته شد و ملاک انتخاب شیخ قبیله، میزان وفاداری به دولت و دریافت منافع نفتی از دولت قرار گرفت (نورمحمدی، جوکار و فرجی، ۱۳۹۲، ص. ۸۵).

ب. محرومیت فراگیر، و چالش‌های قدرت سیاسی

در بررسی ریشه‌های نارضایتی زیدی‌ها باید به سیاست‌گذاری غلط و عملکرد ضعیف دولت یمن در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی و خدمت‌رسانی اشاره نمود. چنانچه برخی از محققین هم اشاره نموده‌اند ریشه‌های این نارضایتی به سال‌های دهه ۱۹۷۰م باز می‌گردد. سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های دولت یمن بر مرکزیت سیاسی کشور یعنی صنعا متمرکز بوده و از رسیدگی و خدمت‌رسانی به سایر مناطق کشور غفلت نموده است. صعده نیز یکی از محروم‌ترین مناطق کشور است که در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، آموزشی، بهداشتی و امنیتی مورد غفلت دولت یمن واقع شده است. این محرومیت به ویژه از دهه ۱۹۸۰م که جمعیت جوانان زیدی افزایش یافت، تشدید شد و نارضایتی‌های اجتماعی به طغیان اجتماعی تبدیل شد (نورمحمدی، جوکار و فرجی، ۱۳۹۲، ص. ۸۳).

پ. نارضایتی عمومی و خیزش جنبش‌های مردمی

اگر نگاهی به تحولات یمن بیاندازیم، خواهیم دید که جنبش حوثی‌ها زمانی فراگیر شد

که توانست خواسته‌های اقتصادی مردم را بازگو کند. چنانکه موج دوم اعتراضات در یمن زمانی آغاز شد که نخست وزیر یمن یارانه سوخت را در ماه‌های اولیه سال ۲۰۱۴م لغو کرد و فشار سنگینی که این تصمیم بر مردم فقیر یمن وارد می‌کرد، زمینه مناسبی فراهم آورد تا مردمی که منتظر فرصت احیای خیزش ناتمام خود بودند، به خیابان‌ها آیند و در اعتراض به وضع موجود قیام گسترده‌ای را با هدف تغییر نخست وزیر، لغو تصمیم حذف یارانه سوخت، اجرای نتایج گفتگوهای ملی و... راه بیاندازند. در این مرحله جنبش حوثی‌ها در هماهنگی و تعامل با سایر قبایل و احزاب، رهبری اعتراض‌ها را به عهده گرفت (مددی، ۱۳۹۳، ص. ۳۴) و این نمادی از پیوند قبیله و غنیمت است که جابری به وجود آن در عقل سیاسی عرب اشاره کرده است.

۵. نقش «عقیده» در کنش حوثی‌ها

سومین رکن نظریه جابری را «نظام اعتقادی» شکل می‌دهد که در اینجا تأثیر آن را در جنبش حوثی‌ها تحلیل می‌نماییم.

۵-۱. مذهب زیدیه

به منظور فهم دقیق نقش عقیده در کنش سیاسی جنبش حوثی‌ها، بیش از هر چیز بررسی مذهب زیدی ضرورت دارد.

الف. پیدایش زیدیه

ظهور مذهب زیدی به زید بن علی زین‌العابدین بن حسین بن علی بن ابی طالب (علیه‌السلام) بازمی‌گردد. پس از شهادت امام حسین (علیه‌السلام) شیعیان به چند گروه تقسیم شدند و در حالی که بسیاری از شیعیان به امامت حضرت زین‌العابدین (علیه‌السلام) معتقد بودند، گروهی از شیعیان که به کیسانیه معروف شدند به پیروی از محمد حنفیه، فرزند حضرت علی (علیه‌السلام) پرداختند. گروه سوم اعتقاد به امامت امام معینی نداشتند و پس از آنکه زید بن علی (علیه‌السلام) قیام کرد، گرد او جمع شدند و او را امام خود دانستند و زیدیه نام گرفتند (موسوی‌نژاد، ۱۳۸۴، ص. ۲۵۲).

ب. سیاست اعتراضی زیدیه

زید بن علی و سپس، علویان زیدی مذهب، قیام‌های متعددی علیه امویان انجام دادند که

به نتیجه نرسید و زید در قیام علیه هشام بن عبدالملک به شهادت رسید. سرانجام، علویان زیدی در قرن دوم و سوم موفق به تشکیل حکومت شدند. ویژگی دولت‌های زیدیان پراکندگی جغرافیایی آن، علی‌رغم شکل‌گیری تقریباً هم‌زمان است؛ این دولت‌ها عبارت‌اند از: دولت ادریسیان، که ادريس بن عبدالله در سال ۱۷۲ قمری در مغرب تأسیس کرد. دولت طبرستان که حسن بن زید در شمال ایران در سال ۲۵۰ قمری تشکیل داد. این دو حکومت دوام نیافت و بعد از مدتی منقرض شد. زید قیام را از شرایط اصلی امامت می‌دانست و این آموزه، هسته اصلی اندیشه زیدیه در طول تاریخ شد. این آموزه در واقع اجرا کردن امر به معروف و نهی از منکر به وسیله قدرت نظامی و شمشیر بود چرا که در غیر این صورت، ظلم در جامعه فراگیر می‌گشت.

پ. اصول فکری و اعتقادی

اصول مذهب زیدی که از میان آراء و افکار گوناگون این فرقه به دست می‌آید عبارتند از: وجوب قیام بر ضد سلطان و حاکم ظالم، عدم ضرورت آگاهی امام از عالم غیبت، لازم نبودن عصمت امام، عدم مذمت خلفای اول و دوم، وجود نص پنهان بر امامت حضرت علی (علیه‌السلام) و حسنین (علیهم‌السلام) با ذکر ویژگی‌های آنها نه تصریح اسامی ایشان. اگرچه در مورد مشروعیت خلافت خلفای سه‌گانه میان فرقه اختلاف نظر وجود دارد (فوزی، ۱۳۹۱، ص. ۲۲).

ت. گونه‌شناسی سیاسی

در حال حاضر دو طیف مختلف از زیدیه وجود دارد؛ یکی جریان زیدیه سلفی (زیدیه سنی) که ارتباط فرهنگی نزدیکی با عربستان سعودی دارد و از عربستان سعودی اندیشه و افکار اهل حدیث و ابن‌تیمیه را به گرفته‌اند. جریان دیگر، خط اصیل زیدیه است که می‌توان از آن به عنوان «زیدیه اهل بیتی» یا «زیدیه معتزلی» یاد کرد. آنها افزون بر باور به قیام و انقلاب، دل‌بستگی و علاقه شدیدی به اهل بیت پیامبر (علیهم‌السلام) داشته و آموزه‌های شیعیان در آنها برجسته است. جنبش حوثی نوعی قرائت رادیکال از مذهب زیدی، برای احیای هویت زیدیه است (فوزی، ۱۳۹۲، ص. ۱۳۵). بخش مهمی از شکل‌گیری اندیشه و عمل سیاسی حوثی‌ها، در تفکر سیاسی قرائت جارودی از مذهب زیدیه ریشه دارد. بر این اساس امر به معروف و نهی از منکر جزء اصول مذهب بوده که

عدم اطاعت، شورش و مقابله با هر حاکم فاسق و فاسدی لازمه ایمان به آن می‌باشد (دغشی، ۱۳۸۹، ص. ۲۶).

ث. نظام سیاسی مشروع

از نگاه بدرالدین امیر الحوثی، دو نوع حکومت در اسلام وجود دارد: نوع اول، امامت که مخصوص اهل بیت پیامبر (علیهم‌السلام) است و نوع دوم، احتساب که حسبه نیز نامید می‌شود، بر این اساس حکومت هر مؤمنی با شرایط عدالت، رعایت مصالح دین خدا و حمایت از اسلام، امر به معروف و نهی از منکر جایز می‌باشد؛ حتی اگر از فرزندان امام حسن (علیه‌السلام) و امام حسین (علیه‌السلام) نباشد. از نظر وی این دو تعارضی با یکدیگری نداشته و هرگاه تشکیل حکومت امامت امکان‌پذیر نباشد، حکومت احتساب ممکن خواهد شد (فوزی، ۱۳۹۲، ص. ۱۳۵). حوثی‌ها معتقدند امام باید قائم به سیف باشد و اهل قعود نباشد و نیز امام قائم به سیف را باید یاری نمود (نجابت، ۱۳۹۳، ص. ۵۸).

۲-۵. جایگاه عقیده در عملکرد حوثی‌ها

آنچه از نظر جابری در بحث عقیده اهمیت دارد، کنش ناشی از اعتقاد و قدرت آن عقیده در تحریک افراد و گروه‌ها است. بر این اساس مؤلفه‌های زیر در عملکرد سیاسی و اعتراضی حوثی‌ها نقش اساسی داشته است:

الف. سکولاریسم دولتی

سیاست و عملکرد دین‌ستیزانه دولت سکولار یمن نقش مهمی در کنش اعتقادی جنبش حوثی‌ها داشته است. چرا که دولت یمن از یک‌سو با مقابله با علما، بزرگان، شعائر و نمادهای مذهب زیدیه و از سوی دیگر با ترویج تفکر وهابیت موجب گسترش سریع این فرقه ضالّه در یمن گردید به گونه‌ای که در مدت کوتاهی بیش از سه میلیون از زیدیان به وهابیت گرایش یافته و حتی مؤسسات فرهنگی تبلیغی وهابیت در استان‌های شیعه‌نشین مانند صعده ایجاد گردیده است. عامل مهم در گسترش اندیشه وهابیت را می‌توان در حمایت‌های عربستان سعودی از دولت یمن و همچنین پرداخت حقوق ماهیانه برای بیش از ده هزار نفر از شیوخ قبایل یمنی دانست (میراحمدی و احمدوند، ۱۳۹۴، ص. ۱۵۴).

ب. رواج وهابیت وابسته

عربستان سعودی با گسترش وهابیت در یمن، در صدد از میان بردن زیدیه در شمال این کشور برآمد. شهر دماج در استان صعده به مرکز اصلی فعالیت وهابیان تبدیل شد و آنان در این شهر مدرسه دارالحدیث تأسیس نمودند. با روی کار آمدن صالح که همراهی کامل با وهابیت داشت، دیگر مانعی در مقابل وهابیان وجود نداشت و روزبه‌روز بر نفوذ آنان افزوده می‌شد. نفوذ و گسترش وهابیت در یمن و رسمی شدن سلفی‌گری، زیدیه یمن را متحمل شدیدترین فشارها نمود و آنان را تا مرز نابودی پیش برد (نجابت و کوشکی، ۱۳۹۵، ص. ۵۸).

ت. تعارض‌های تاریخی با عربستان سعودی

یمنی‌ها عقده‌های تاریخی از عربستان سعودی که نماد وهابیت است، دارند. در سال ۱۹۳۴م سه منطقه نجران، جازان و عسیر یمن به مدت ۲۰ سال در اختیار عربستان سعودی قرار گرفت، اما پس از پایان مدت تعیین شده، عربستان سعودی از بازگشت این مناطق به یمن جلوگیری نمود و آنها را به سرزمین خود ملحق نمود. از این جهت اندیشه شیعی در دسترس‌ترین اندیشه برای مواجهه با اندیشه وهابیت به حساب می‌آید (میراحمدی و احمدوند، ۱۳۹۴، ص. ۱۵۵).

ث. وابستگی زیدیه به حکومت

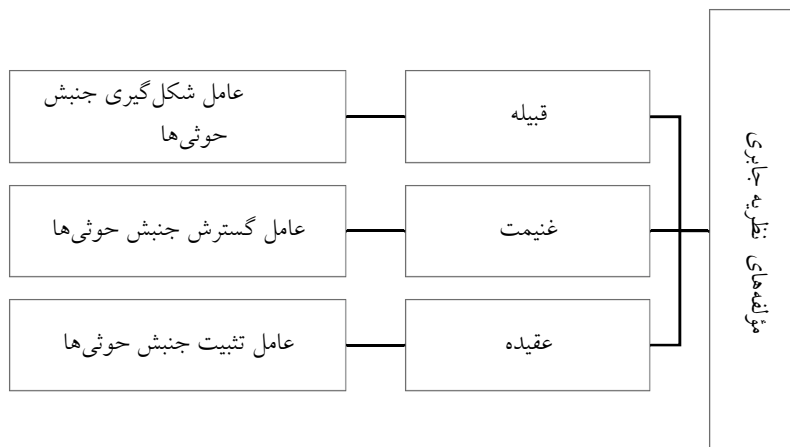
کنش‌های برگرفته شده از عقیده در بین زیدیان نسبت به سایر مذاهب ملموس‌تر می‌باشد چرا که زیدیان برخلاف شیعیان امامیه، در طول تاریخ به حکومت‌های خود وابسته بوده‌اند. به این معنا اقتدار سیاسی، نفوذ اجتماعی، رونق علمی و تبلیغ آموزه‌های مذهب زیدیه وابسته به حضور آنها در قدرت سیاسی و دوام حکومت‌شان بوده است. زیدیان پس از سقوط حاکمیتشان همواره تحت شدیدترین فشارهای اجتماعی و سیاسی ناشی از سقوط پادشاهی خاندان زیدی قرار گرفتند. بنابراین، بعد از انقلاب ۱۹۶۲م زیدی‌ها که قدرت سیاسی را از دست داده بودند و شرایط و زمینه مناسبی نیز برای بازگشت به قدرت نداشتند، به جریان منفعل و مخالف حکومت تبدیل شدند و فضای سیاسی و اجتماعی روزبه‌روز بر آنان تنگ‌تر گردید (طباطبائی‌فر، ۱۳۹۵، ص. ۱۱). مخالفت جنبش حوثی‌ها با دولت یمن نیز ریشه در عامل عقیده دارد. چرا که در انقلاب ۱۹۶۲م رژیم امامت منحل و

رژیم جمهوری در یمن استقرار یافت (نورمحمدی، جوکار و فرجی، ۱۳۹۲، ص. ۸۲). از قرن سوم تا اواسط قرن گذشته حکومت یمن در دست زیدیان بوده است اما در سال ۱۹۶۲م حکومت از زیدی‌ها پس گرفته شد. زیدیه نسبت به حکومت صالح بدبین بودند و آن را موجب گسترش سکولاریسم می‌دانستند. جنبش حوثی بر پایه آموزه‌های دینی، مشروعیت دولت صالح را قبول نداشته و معتقدند دولت باید در دست نسل فاطمی باشد (مسعودنیا و توسلی، ۱۳۹۱، ص. ۱۳۷). امام بدر، آخرین امام نظام امامت به همراه طرفدارانش چندین بار به مخالفت با دولت جمهوری یمن و احیای نظام امامت قیام کردند که به موفقیتی دست نیافتند (نورمحمدی، جوکار و فرجی، ۱۳۹۲، ص. ۸۲).

ج. اختلاف در عمق و میزان شریعت‌گرایی

در قانون اساسی یمن ذکر شده که شریعت منبع قانون اساسی است و حوثی‌ها معتقدند باید گفته شود تنها منبع قانون‌گذاری، شریعت می‌باشد. این اختلاف مبنایی از این حکایت دارد که جامعه یمن از یک‌طرف بافت سنتی دارد و از طرفی مایل است وارد عرصه مدرن شود، از این رو موقعیتی دارد که حاکمان یمن قبول ندارند که بگویند تنها منبع قانون‌گذاری شریعت است و می‌خواهند دست خود را برای غربی‌سازی جامعه باز بگذارند و این آغاز تقابل عقیده و غرب‌گرایی خواهد بود (امیردهی، ۱۳۸۹، ص. ۱۲۱). اینها مواردی است که سبب شدند تا حوثی‌ها، عقیده و مذهب زیدی خود را که هویت اصلی آنها را تشکیل می‌داد، در خطر ببینند و با ارائه تفسیر نوین از مذهب زیدی، در صدد احیای هویت اعتقادی و دینی خود برآیند و به مبارزه برخیزند.

نمودار شماره (۲): تحلیل جنبش حوثی‌ها مبتنی بر دیدگاه جابری



(منبع: یافته‌های پژوهش حاضر)

نتیجه‌گیری

نظریه عابد الجابری که بر سه رکن قبیله، غنیمت و عقیده استوار است از توان تحلیلی بالایی برای تبیین سیاست حوثی‌ها در یمن برخوردار می‌باشد. عناصر سه‌گانه از طرف تمام بازیگران اصلی یمن به‌کارگیری شده است. از سویی صالح به دنبال تحت فشار قراردادن حوثی‌ها تلاش کرده تا برخی پیروان و علمای زیدیه و اهل سنت و همچنین قبایل اثرگذار را برای مخالفت با حوثی‌ها تحریک کند. چنان‌که برخی زیدی مذهبیان با عنصر عقیده و با این بهانه که حوثی‌ها در مذهب زیدیه انحراف ایجاد کرده‌اند، مخالف اند. اهل سنت نیز از طریق عقیده و با چاشنی دروغ‌های وهابیت و این ادعا که جریان حوثی تهدیدی برای اهل سنت یمن به حساب می‌آید و قبایل با این استدلال که حوثی‌ها رسوم قبایل را نادیده می‌گیرند و تهدیدی برای قبایل در یمن هستند، از جانب صالح تحریک شدند. حوثی‌ها نیز بر اساس تهدید در عرصه عقیده، نفوذ خود در قبایل حاشد و بکیل و پرچم‌داری در برخی اقدامات اقتصادی را گسترش داده‌اند. از سوی دیگر یمن کشوری قبیله‌ای است که در آن روابط سیاسی بر روابط ساختارهای نظام قبیله‌ای استوار است. نمونه آن فرو ریختن دولت علی عبدالله صالح پس

از فسخ بیعت شیوخ قبایل با آن می‌باشد در حوزه غنیمت و اقتصاد نیز مشکلات یمن آنقدر گسترده و پیچیده است که مسئولیت اداره آن به تنهایی از عهده هیچ‌یک از گروه‌های سیاسی یمن بر نمی‌آید، اما مسلم است که هر گروهی در این زمینه پیش‌تازتر باشد، پایگاه اجتماعی بهتری خواهد داشت. از طرف دیگر بافت قبیله‌ای یمن مانع از هژمونی یک مذهب در این کشور خواهد بود.

در مجموع مفاهیم قبیله، غنیمت و عقیده که در شکل‌گیری و گسترش جنبش حوثی‌ها نقش اصلی را بر عهده داشته‌اند، در تداوم و موفقیت این جنبش نیز مؤثرند. از این رو جنبش حوثی‌ها اگر بخواهند پایگاه اجتماعی و سیاسی خود را محکم و گسترده کنند می‌بایست از شکل طایفی و قومی به شکل ملی درآید. استفاده از رهبری کاریزماتیک می‌تواند در این زمینه راهگشا باشد و از واگرایی قبیله‌ای جلوگیری کند. همچنین این جنبش باید خواسته‌ها و مطالبات خویش را بر محور خواست و اراده‌ای سیاسی تنظیم کند که هدف آن بهبود در اوضاع یمن و پیشرفت و رشد آن باشد.

کتابنامه

- اشرفی، جمال (۱۳۹۲). «نگاهی به پیشینه جنبش اسلامی در یمن»، پژوهش‌های منطقه‌ای. ۲(۱۰)، ۲۷۲-۲۴۱.
- امیردهی، ع.ر (۱۳۸۹). «یمن؛ ازحاکمیت سیاسی تا روابط جمهوری اسلامی ایران»، اندیشه تقریب. ۶(۲۳)، ۱۳۰-۱۱۷.
- بخشایش اردستانی، احمد و مالکی، محمد (۱۳۹۵). «بازخوانی سنت در اندیشه اسلامی؛ مقایسه نقد عقل اسلامی محمد ارکون و نقد عقل عربی محمد عابد الجابری»، *مطالعات سیاسی*. ۹(۳۴)، ۱-۱۸.
- جابری، محمد عابد (۱۳۸۴). *عقل سیاسی در اسلام* (عبدالرضا سواری، مترجم). تهران: گام نو.
- جابری، محمد عابد (۱۳۹۱). *سفرهایی از گونه‌های دیگر: روشنفکران در تمدن عربی براساس دیدگاه و منابع اهل تسنن* (سیدمحمد آل مهدی، مترجم). تهران: فرهنگ جاوید.
- جانباز، علی و قزوینی حائری، یاسر (۱۳۹۰). «یمن سرزمین قبایل»، *ماهنامه زمانه*. ۱۰(۱۲)، ۳۳-۳۰.
- خاکرند، حسن (۱۳۹۳). «نگاهی کوتاه به نهضت حوثی‌ها در کشور یمن»، *فرهنگ اسلامی*. ۲(۱۰)، ۱۱۸-۱۰۵.
- دارا، جلیل و بابایی، محمود (۱۳۹۴). «بازخوانی جنبش انصارالله یمن در بستر انقلاب اسلامی ایران»، *پژوهش‌های انقلاب اسلامی*. ۴(۱۵)، ۱۵۰-۱۲۹.
- دغشی، محمد احمد (۱۳۸۹). «تبارشناسی حوثی‌ها»، *پگاه حوزه*. ۲۷۰(۲۰-۴۵).
- سرخیل، بهنام و خزعلی، فاتن (۱۳۹۶). «تصویرسازی تهدیدانگار از جمهوری اسلامی ایران توسط ایالات متحده آمریکا»، *دانش سیاسی*. ۱۳(۲۶)، ۱۳۳-۱۰۳.
- سلطانیان، فاطمه (۱۳۹۵). *نقش ساختار قبیله‌ای در تحولات سیاسی یمن در سه دهه اخیر*. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، قابل بازیابی از گنج، پایگاه اطلاعات علمی ایران (ایرانداک ش: b8e260594b58a3711504c14d955c7f23).
- شفق، غلامرضا (۱۳۸۸). «نگاهی به برخی ایده‌های اجتماعی جابری»، *معرفت*. ۱۸(۱۳۹)، ۱۷۸-۱۵۷.
- طباطبائی‌فر، سیدمحمد (۱۳۹۵). *حوثیان یمن، پیشینه و رویکردهای کلامی و سیاسی*. تهران: دانشگاه ادیان و مذاهب و مجمع جهانی اهل بیت (علیهم‌السلام).
- عباسی، مجید و گلچین، سعید (۱۳۹۴). «انقلاب اسلامی ایران و ژئوپلیتیک تشیع در یمن: از هویت‌یابی تا بیداری»، *مطالعات راهبردی بسیج*. ۱۸(۶۹)، ۱۰۲-۶۹.

- عبداللطیف، کمال (۲۰۰۴). *التراث و النهضه قرائات فی اعمال محمد عابد الجابری*. بیروت: نشر مرکز الدراسات الوحده العربیه.
- غریب رضا، حمیدرضا (۱۳۹۴). *اویس خمینی: جنبش الحوثی یمن و دیدگاه‌های شهید حسین الحوثی*. قم: دفتر نشر معارف.
- فوزی، یحیی (۱۳۹۱). «علل شکل‌گیری و ماهیت جنبش‌های سیاسی در خاورمیانه، بررسی موردی جنبش سیاسی در یمن»، *مطالعات سیاسی جهان اسلام*. ۱(۱)، ۱۷-۳۴.
- فوزی، یحیی (۱۳۹۲). «جریان‌شناسی فکری جنبش بیداری اسلامی»، *مطالعات انقلاب اسلامی*. ۱۰(۳۳)، ۱۴۰-۱۲۳.
- کریملو، داود (۱۳۹۴). *کتاب سبز یمن*. تهران: وزارت امور خارجه.
- کوشکی، محمد صادق؛ ایرامی، زیور و میرحسینی، فرشته (۱۳۹۱). «بررسی زمینه‌ها و علل مشترک تحولات جهان عرب در سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۱۲»، *پژوهش‌های انقلاب اسلامی*. ۱(۱)، ۱۵۳-۱۸۴.
- کوهن، جرالڈ آلن (۱۳۹۷). *نظریه تاریخ مارکس (محمود راسخ افشار، مترجم)*. تهران: اختران.
- گنج‌خانی، احمد (۱۳۹۶). «جنبش انصارالله یمن و نسبت آن با انقلاب اسلامی ایران». (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، قابل‌بازرسی از گنج، پایگاه اطلاعات علمی ایران (ایرانداک ش: ceda4cba7c67ed767efdf174338a8e55).
- مددی، جواد (۱۳۹۳). «نقش انصارالله در رهبری تحولات یمن»، *مطالعات راهبردی جهان اسلام*. ۲(۵۸)، ۳۳-۵۶.
- مسعودنیا، حسین و توسلی، حسین (۱۳۹۱). «بازخوانی جنبش شیعی الحوثی در یمن»، *مطالعات سیاسی جهان اسلام*. ۱(۳)، ۱۴۲-۱۲۵.
- ملائکه، سیدحسن؛ علی اکبریان هاوشکی، مصطفی (۱۳۹۸). «علل ساختاری پیدایش و عملکرد جنبش الحوثی و پیامدهای منطقه‌ای تأسیس این جنبش سیاسی - نظامی»، *تحقیقات سیاسی بین‌المللی*. ۱۱(۳۹)، ۹۷-۱۲۰.
- منتظرالقائم، اصغر (۱۳۹۶). *نقش قبایل یمنی در حمایت از اهل بیت (علیهم‌السلام) (قرن اول هجری)*. قم: بوستان کتاب.
- موسوی‌نژاد، سیدعلی‌قنبر (۱۳۸۴). *تراث الزیدیه*. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- میراحمدی، منصور و احمدوند، ولی محمد (۱۳۹۴). «هویت و مبانی فکری جنبش انصارالله در

- یمن»، اندیشه سیاسی در اسلام. (۳ و ۲)، ۱۶۵-۱۴۵.
- نجابت، روح‌الله (۱۳۹۳). «جنبش انصارالله حزب‌اللهی دیگر در شبه جزیره عربستان»، پاسدار اسلام. (۳۹۱ و ۳۹۲)، ۵۸-۵۹.
- نجابت، روح‌الله و کوشکی، محمدصادق (۱۳۹۵). انصارالله در یمن از تأسیس تا تثبیت (۲۰۱۳-۲۰۰۴). قم: معارف.
- نورمحمدی، مرتضی؛ جوکار، مهدی و فرجی، محمدرضا (۱۳۹۲). «بررسی چالش‌های دولت - ملت‌سازی در یمن»، سیاست فاعلی. ۲۱(۸۴)، ۶۹-۹۸.
- نوری، سیدمحمدعلی (۱۳۹۷). تاریخ اسلام در اندیشه محمد عابد جابری. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- نوری، محمدعلی (۱۳۸۹). «تاریخ در منظومه فکر جابری»، نشریه تاریخ اسلام. بدون شماره دوره (۳۹)، ۱۴۵-۱۶۶.
- وزیریان، امیرحسین (۱۳۹۸). «تحلیل سیاست رژیم پهلوی در منطقه خلیج فارس»، نشریه علمی دانش سیاسی. ۱۵(۱)، ۲۷۱-۲۹۶.
- ولایتی، علی اکبر؛ محمدی، رضاسعید (۱۳۸۹). «تحلیل تجارب همگرایی در جهان اسلام»، نشریه علمی دانش سیاسی. ۶(۱)، ۱۵۱-۱۸۰.
- هوشنگی، حسین (۱۳۹۸). «نقش مدرنیته در توسعه بنیادگرایی در جهان اسلام»، نشریه علمی دانش سیاسی. ۶(۱)، ۱۸۱-۲۱۰.
- یزدانی، علی؛ جان احمدی، فاطمه (۱۳۹۱). «بسترها، زمینه‌ها و چالش‌های پیدایی جنبش زیدیه در یمن»، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی. ۳(۸)، ۱۱۳-۱۳۴.

